

سوم اردیبهشت ماه جشن اردیبهشتگان



در دستگاه یزدان شناسی ایرانی، گوهر هستی بخش خدا با هفت فروزه ورجاوند بنام «امشاسپندان» شناخته می شود، نخستین امشاسپند خود هُرمزد[خداوند جان و خرد] است.

دومین امشاسپند وهومَنَ Vohumana نام دارد. این یک نامواژه دو بهری از زیان اوستایی است. بهر نخست آن وهو Vohu به چم: [خوب - نیکو- پسندیده - شایسته- برترین - والاترین...]. همان است که امروزه «وَه» و «بَه» می گوئیم. بهر دوم: مَنَه mana که در پارسی امروزمَنِش گفته می شود. این واژه نزدیک به ۱۴۰ بار در سرودهای مینوی اشو زرتشت ورجاوند بکار رفته و یکی از شالوده های بنیادین آموزه های مزدیسنا شمرده می شود. بیشتر ترزبانان آن را به: نیک منشی - نیک نهادی - نیک گوهری- خردِ هستی - و میانِ میان ها برگردانده اند. در برخی از نوشته های گهن، وهومن به ریخت وهیشتامَن هم آمده و چم آن همان: والاترین اندیشه، برترین مَنِش - گوهر خرد، و خرد جهانساز است. امشاسپند وهومن سرشت نرینه دارد و نماد پدرخدایی آهوزَه مزداست

سوم: آشه asha یا اشا. این واژه بیش از ۱۸۰ بار در گاتها[سرودهای اشو زرتشت ورجاوند] بکار رفته و ترزبانان آن را: هنجار هستی - سامان آفرینش - ریتم کیهانی - نیروی پیشرفت

دهندهٔ جهان - دادگری- بهترین راستی - نیروی سامان بخش جهان... دانسته اند. آشا یا آشه در اوستا به ریخت آشه وهیشت Asha Vahishta در آمده و همان است که امروزه اردیبهشت می گوئیم. اردیبهشت نگاهبان و سرپرست آتش است. امشاسپند آشه وهیست یا «اردیبهشت» سرشت نرینه دارد و نماد پدرخدایی آهوره مزداست.

چهارم: **خِشْتَرِ وِیرِیا** Khshatra vairyā در پهلوی **خِشْتَرِیور** Khshatrivar در پارسی امروز شهریور Shahrivar این امشاسپند در اوستا نماد توانمندی و فَرّوشکوه پادشاهی آهورا مزداست. سرپرستی و نگاهبانی توپال ها (= فلزات) بدست اوست. امشاسپند شهریور، سومین امشاسپند نرینه و نماد پدرخدایی آهوره مزداست.

پنجم: **سپنتا آرمیتی** Spanta armaiti بهرنخست این واژه سپنتا به چم: افزایشنده- شایان ستایش [مقدس] و بهر دوم: آرمیتی به چم: آرامش - هماهنگی - مهربانی - درست اندیشی - تراز منشی - مهر به هستی - مهر جهانی - فروتنی - خرد ستوده است. سپنتا آرمیتی که امروزه سپندارمذ یا اسفند می گوئیم در گروه سه گانهٔ امشاسپند بانوان و نماد مادرخدایی آهوره مزداست.

ششم: **هه اورواتات** Haurvatat این واژه از سوی بیشترین ترزبانان [مترجمین] به رسایی یا کمال برگردان شده ولی برخی آن را خود شناسی و تندرستی نیز دانسته اند. این نام در پهلوی «خُردات» و در پارسی امروز خُرداد گفته می شود. نگاهبانی و پاسداری از آبها بدست اوست. ایزد تِشْتَر و «ایزد باد» و «ایزد فروردین» از همکاران نزدیک او بشمار می روند. امشاسپند خرداد در گروه سه گانهٔ امشاسپند بانوان و نماد مادر خدایی آهوره مزداست.

هفتم: **آمرتات** Ameretat به چم: گزند ناپذیری، نامیرایی، رستگاری و جاودانگی است. کسی که از راه اندیشه و منش نیک، به گامهٔ «هه اورواتات» رسیده باشد به «آمرتات» می پیوندد و جاودانه می ماند. سرپرستی و نگاهبانی گیاهان بدست این امشاسپند بانوست. امشاسپند بانو آمرداد در گروه سه گانهٔ امشاسپند بانوان و نماد مادر خدایی آهوره مزداست.

جشنهای ماهانه

برابر آیین جشن ساز ایرانی، در هر ماه هنگامی که نام روز و نام ماه برابر می شود، آیینهای ویژه همراه با جشن و شادمانی، و ستایش و نیایش دادار آفریدگار برگزار می گردد. برابر این آیین: نوزدهمین روز از ماه فروردین «جشن فروردینگان»، دومین روز از ماه بهمن «جشن بهمنگان»، سومین روز از ماه اردیبهشت «جشن اردیبهشتگان» ششمین روز از ماه خرداد

«جشن خردادگان»، سیزدهمین روز از ماه تیر «جشن تیرگان»، هفتمین روز از ماه امرداد «جشن امردادگان»، چهارمین روز از ماه شهریور «جشن شهریورگان»، شانزدهمین روز از ماه مهر «جشن مهرگان» دهمین روز از ماه آبان «جشن آبانگان»، نهمین روز از ماه آذر «جشن آذرگان»، برگزار می شود. تنها دیمه است که چهار جشن دیگر دارد.

«دی» در اوستا «دئوش» و در پهلوی «داتار» و در پارسی «دادار»، یا «دی»، یکی از فروزه های اهوره مزدا و به چم «آفریدگار» است. نام نخستین روز از ماه دی «هُرمزد» یا همان خداوند جان و خرد است، از آنجا که «دی» نیز به چم «آفریدگار»، و فروزه پی است برای خداوند، پس برابری این دو نام در یک روز زمینه جشنی بزرگ به نام «دیگان» را فراهم می آورد. روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم نیز «دی» نام دارند. ولی برای باز شناخت آنها از یکدیگر، نخستین را «دی به آذر» (روزی که آذر روز را در پی دارد) دومین روز را «دی به مهر» (دی روز پیش از مهر روز) و سومین روز را «دی به دین» (روزی که پیش از روز دین است) و بدین گونه چهار جشن بزرگ در ماه دی بنام «دیگان» برگزار می شوند.

جایگاه اردیبهشت در هستی شناسی ایرانی

«اردیبهشت»: در اوستای نو «آشه وهیشت» به چم «بهترین راستی» نام یکی از مهین ایزدان است که پس از «بهمن» و در دومین پایگاه امشاسپندان جای می گیرد. در گاهان (سرودهای اشوزرتشت ورجاوند) اردیبهشت بیشتر به ریخت «آشه» یا «آشا» آمده که یکی از فروزه ها یا پرتوهای هفتگانه گوهر هستی بخش خدا، و چم آن چنانچه گفته شد: هنجار هستی - سامان آفرینش - ریتم کیهانی - نیروی پیشرفت دهنده ی جهان - دادگری - بهترین راستی - نیروی سامان بخش جهان است. آهوره مزدا او را از نیروی خرد خویش آفریده و پدر اوست. اردیبهشت نگاهبان مرغزارها و گیاهان روی زمین است و پرهیزگاران در مرغزارهای او بسر می برند. به یاری او بود که آهوره مزدا هنگام آفرینش، گیاهان را برویانید.

با نگاه به همین خویشکاری امشاسپند اردیبهشت (نگاهبانی مرغزارها و گیاهان روی زمین) است که دقیقی می گوید:

در افکندم ای صنم ابر بهشتی

به گیتی خلعت اردیبهشتی

در یشتها، اردیبهشت «زیباترین امشاسپند» و دشمن دیو خشم، و از میان برنده بیماری

و مرگ، و جادوان و خرفستران [حشرات گزند رسان] است. در ویسپرد (یکی از نامه های پهلوی) آمده است که آهوره مزدا آنچه را که به دست بهمن [خرد پاک خداوندی] آفریده است، به دستیاری اردیبهشت [هنجار هستی] افزایش خواهد داد.

در ادب‌سار پهلوی، هُرمزد با بهمن و اردیبهشت به هم‌پرسی و رایزنی می‌نشینند، و اردیبهشت است که آتش را می‌پاید و از میان کماله دیوان (کارگزاران بزرگ انگر مینو) «این‌در» که به نوشته بندهش «دیو فریفتار و گمراه کننده است»، هم‌ستار یا دشمن اردیبهشت است.

در بُندهش می‌خوانیم:

« اردیبهشت را خویشکاری این است که دیوان را نَهَلَد تا روانِ دُروندان را از دوزخ، بیش از گناهی که ایشان راست، پادافره کنند، و (دیوان را) از ایشان باز دارد.

چنین گوید که: « اردیبهشت بهترین پرهیزگاری بی مرگ برکت بخشنده است، زیرا هر کس را که پرهیزگاری ورزد (چون) به گردمان شود، به اندازه ی نیکی که ورزیده است آرجمند بُود.

در آغاز آفرینش، چون هُرمزد این شش امشاسپند را فراز آفرید، خود نیز با ایشان، آن برترین و هفتمین بود، و آن گاه، از ایشان پرسید: «ما را که آفرید؟» از ایشان یکی نیز پاسخ نکرد. باری دیگر و سدیگر به همانگونه پرسید. پس، اردیبهشت گفت: «ما را تو آفریدی» ایشان نیز به هم پاسخی به همان گونه سخن گفتند. پس، اردیبهشت نیز با ایشان بازگفت. نخست، خدایی را به هُرمزد اردیبهشت داد. پس، هُرمزد اشم و هویی بگفت و اردیبهشت را بُن همه مینوان فراز گماشت، چنان که بهمن مهین، و اردیبهشت بُن است. زیرا همه یزش ها [نیایش ها] را، به سر، اشم و هوست، که برترین پرهیزگاری و برتر از همه چیز است.

هُرمزد بدان روی ایدون پرسید که چون ایشان خدایی را به هُرمزد دادند، دیوان را از آن نابودی و درد بُود. اردیبهشت را به گیتی آتش خویش است. آن که آتش را رامش بخشد یا بیازارد، آنگاه اردیبهشت از او آسوده یا آزرده بُود. (بندهش، فرنخ دادگی، گزارنده: مهرداد بهار)

ایزدان «آذر» و «سروش» و «بهرام» از یاوران و همکاران امشاسپند اردیبهشت اند. سومین یشت اوستا ویژه ستایش و نیایش اوست، و سومین ماه سال، و سومین روز ماه بنام اوست و به نوشته ی بندهش «گل مرزنگوش نماد این امشاسپند است.



گل مرزنگوش نماد امشاسپند اردیبهشت

نیایش «أَشْمُ وَهُو..» را نیز «نماز اشه» می خوانند و به این امشاسپند نسبت می دهند



سومین روز از ماه اردیبهشت، «جشن اردیبهشتگان»، یا «گلستان جشن» است. اردیبهشتگان در گروه جشن های آتش مانند «جشن سوری»، «مهرگان»، «آذرگان»، «سده» و «نوروز» است. یکی از گرامی ترین آیینهای اردیبهشتگان این است در این روز جامه های سپید که نماد پاکیزگی است بتن می کنند، جامه سپید اروس نیز از همین سر اندیشه پدید آمده است، از آنجا که در این روز در بیشترین سرزمین های ایرانی گلها شکوفیده اند، آن را گلستان جشن نیز می گویند.



«اردیبهشت یشت ، «یشت سوم»»

خشنودیِ اردیبهشت، زیباترین امشاسپند، [نماز] اَیْرِیْمَن ایشیه ی
(۱) نیرومندِ مزدا آفریده و سَوکَ یِ (۲) نیکِ فراخ دیدگاهِ مزدا آفریده ی
اَشَوَن را.

« یَثَه اهو ویریو...» (۳) که زوت (۴) مرا بگوید
« یَثَه اهو ویریو...» که پارسا مرد دانا بگوید.

۱

اهوره مزدا به سپیتمان زرتشت گفت:
ای سپیتمان زرتشت! ای ستاینده، و زوت، و دادخواه، و اندرزگوی، و
نیایشگر، و مهربان، و سرود خوان!

هنگامی که من و آردیبهشت، گیهانِ روشن و درخشان و خانه های خورشید سان را آفریدیم... بویژه ستایش و نیایش ما امشاسپندان را ... (در این بند برخی از واژه ها دچار آشفتگی گشته اند)

۲

زرتشت گفت:

ای آهوره مزدا
ای مزده رسانِ گفتارِ راست!
اینک سپیتمان زرتشت - ستاینده، و زوت، و دادخواه، و اندرزگوی، و نیایشگر، و مهربان، و سرود خوان، را بفرمای :
چگونه بود آن سخن، هنگامی که تو و آردیبهشت، گیهانِ روشن و درخشان و خانه های خورشید سان را آفریدید... بویژه ستایش و نیایش شما امشاسپندان را؟

۳

من آردیبهشت را همی خوانم.
هنگامی که من آردیبهشت را بخوانم، آرامگاهِ نیکِ دیگر امشاسپندان نیز - که مزدا آن را با اندیشه ی نیک نگاهداری می کند، که مزدا آن را با گفتار نیک نگاهداری می کند، که مزدا آن را با کردار نیک نگاهداری می کند- گشوده شود.
آن آرامگاهِ نیک در گَرزمانِ (۵) آهوره است.

۴

گرزمان، مردمانِ آشونِ راست.

هیچ یک از دُرَوندان ، دیدار آهوره مزدا را بدان راهی نیابد.

[نماز] آیرَمَن ایشیه که انگر مینو و همه ی جادوان و پریان را بر می اندازد، بزرگترین منْثَره (۶) های ورجاوند است، بهترین منْثَره ی ورجاوند است، زیباترین منْثَره ی ورجاوند است.

در میان منْثَره های ورجاوند نیرومند است. نیرومندترین منْثَره ی ورجاوند است.

در میان منْثَره های ورجاوند استوار است، استوارترین منْثَره ی ورجاوند است.

در میان منْثَره های ورجاوند پیروز است. پیروزترین منْثَره ی ورجاوند است.

در میان منْثَره های ورجاوند درمان بخش است، درمان بخش ترین منْثَره ی ورجاوند است.

۶

کسی [از پزشکان] به یاری « آشه » درمان کند. کسی [از پزشکان] به یاری دانش، درمان کند. کسی از پزشکان با کارد درمان کند. کسی از پزشکان با گیاهان درمان کند. کسی از پزشکان با منْثَره درمان کند. (۷)

درمان بخش ترین پزشکان کسی است که با منْثَره ی ورجاوند درمان کند.

آن که [بیماریهای] اندرونه ی آشَوَن (۸) مرد را درمان کند، درمان بخش ترین پزشکان است.

۷

ای ناخوشیها بگریزید،

ای مرگ بگریز،
ای دیوان بگریزید،
ای پتیارگان (۹) بگریزید،
ای آشموغ (۱۰) کینه و راز « آشه » (۱۱) بگریز!

۸

ای ازدها نژادان بگریزید،
ای گرگ نژادان بگریزید،
ای [بد نهادان و گزند رسانانِ دو پا] بگریزید،
ای « ترومیتی taromaiti » بگریز، (۱۲)
ای « پیری میتی pairimaiti » بگریز، (۱۳)
ای تب بگریز!
ای دروغزن بگریز!
ای آشوب و نا آرامی بگریز،
ای مرد بد چشم بگریز!

۹

ای دروغ گوترین دروغ گویان (اهریمن) بگریز!
ای زن روسپی جادو بگریز!
ای زن بدکاره ی « گخوارڈ » (۱۴) بگریز!
ای باد اپاختر بگریز (۱۵)
ای باد اپاختر نابود شو!
هر آن که از نژاد این ازدهاست، نابود شود!

۱۰

آن که هزار بار هزار تن و ده هزار بار ده هزار تن از این دیوان را بکشد،
ناخوشیها را براندازد، مرگ را براندازد، دیوان را براندازد، پتیارگان را براندازد
و آشموغ دشمنِ آشه را براندازد، مردم ستمکار را براندازد.

۱۱

اژدها نژادان را براندازد، گرگ نژادان را براندازد، [بد نهادان و گزند رسانان]
دو پا را براندازد، ترومیتی را براندازد، پیری میتی را براندازد، تب را براندازد،
دروغزن را براندازد، آشوب و نا آرامی را براندازد، چشم بد را براندازد...

۱۲

دُروندترین دُروندان را براندازد، زین روسپی جادو را براندازد، زین بد کاره ی
گخوارِذ را بر اندازد، بادِ ایاختر را براندازد، باد ایاختر را نابود کند. آن را که
از بد نهادان و گزند رسانان دو پاست، نابود کند.

۱۳

اگر کسی هزار بار هزار تن و ده هزار بار ده هزار تن از این دیوان را بکشد،
فریفتارترین دیوان- اهریمن تبهکار - از فراز آسمان سرنگون گردد و فرو
افتد.

۱۴

اهریمن تبهکار گفت :

وای بر من از دست آردیبهشت!

ناخوش ترین ناخوشی ها را بر اندازد،

با ناخوش ترین ناخوشی ها بستیزد ،

تباہ ترین تباہی ها را بر اندازد،

با تباه ترین تباهی ها بستیزد!
دیو ترین دیوان را بر اندازد،
با دیو ترین دیوان بستیزد،
پتیاره ترین پتیارگان را بر اندازد،
با پتیاره ترین پتیارگان بستیزد!
آشموغ دشمن آشه را بر اندازد،
با آشموغ دشمن آشه بستیزد،
ستمکار ترین مردمان را بر اندازد،
با ستمکار ترین مردمان بستیزد.

۱۵

اژدها نژاد ترین اژدها نژادان را بر اندازد.
با اژدها نژادترین اژدها نژادان بستیزد.
گرگ نژادترین گرگ نژادان را بر اندازد.
با گرگ نژاد ترین گرگ نژادان بستیزد.
[بدنهادترین و گزند رسان ترین] دو پایان را بر اندازد.
با [بد نهادترین و گزند رسان ترین] دوپایان بستیزد.
ترومیتی را بر اندازد.
با ترومیتی بستیزد.
پیری میتی را بر اندازد.
با پیری میتی بستیزد
با سخت ترین تبها بستیزد.
دروغزن ترین دروغزنان را بر اندازد.
ستیهنده ترین ستیهندگان را بر اندازد.
با ستیهنده ترین ستیهندگان بستیزد.

بد چشم ترین بد چشمان را براندازد.
با بد چشم ترین بد چشمان بستیزد.

۱۶

دُروندترین دُروندان را براندازد.
با دُروندترین دُروندان بستیزد.
زن روسپی جادو را براندازد.
با زنِ روسپی جادو بستیزد.
با زن بدکاره ی گخورِ دَ بستیزد.
با دِ اِپاختر را براندازد.
با باد اِپاختر بستیزد.

۱۷

دروج (۱۶) باید بکاهد!
دروج باید نابود شود!
دروج باید سپری گردد و یکسره نابود شود.
تو [-دروج-] باید در اِپاختر ناپدید شوی!
تو نباید جهانِ آستومندِ آشه را نابود کنی!

۱۸

آردیبهشت، زیبا ترین امشاسپند را برای فَرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ
بلند] و با زور (۱۷) می ستاییم.
اردیبهشت، زیباترین امشاسپند را با هوم (۱۸) آمیخته به شیر، با
بَرَسَم (۱۹)، با زبان خِرَد و منثره با اندیشه و گفتار و کردار نیک و با سُخَن
رِسا می ستاییم.

«يَثَّهْ اَهُو وَيَرِيو ...» (۳)

درود می فرستیم به زیباترین آمشاسپند، اردیبهشت، به نماز آیریمَن ایشیه ی مزدا آفریده و به سَوَكِ ي نیک فراخ دیدگاهِ مزدا آفریده ی اَشَوَن.
«اَشَم وُهو ...»

«اهمایی رَئِشَجَه» (۲۰) (اردیبهشت یشت - برگردان دکتر جلیل دوستخواه)

پانویس:

۱- آیریمَن ایشیه : نامی است که از نخستین واژه های یسنه، هات ۵۴ گرفته شده و این هات را به همین نام خوانده اند. آیریمَن ایشیه که از نیایش های بسیار ارجمند مزداپرستان است، در بخش بندی کنون اوستا بخشی از گاهان نیست، ولی شیوه ی نگارش آن نشان می دهد که در آغاز بخشی از آن بوده است.

۲- سَوَك: در پهلوی «سوک» نام ایزد بانوی نگاهبان خوشی و بالیدن و پرورش، و نماد خوشی ایزدی است. نام این ایزد بانوی گرانمایه را در یشتها و در وندیداد همواره با فروزه هایمانند: «نیک»، «اَشَوَن»، «فراخ دیدگاه» و «مزدا آفریده» همراه می بینیم.

۳- يَثَّهْ اَهُو وَيَرِيو: نام گرامی ترین نیایش دینی مزدا پرستان است که از نخستین واژه های آن گرفته شده. این نیایش در سراسر گرامی نامه ی اوستا پیوسته واگویی می شود و همواره بر سر زبان پیروان دین مزداست. نخستین گفتار دینی که هرکودک زرتشتی می آموزد، همین نیایش، و پس از آن نیایش دیگری بنام «اَشَم وُهو..» و در گامه ی سوم نیایشی بنام «ینگه هاتم» است.

۴- زوت: در اوستا برنامه بزرگترین پیشوای دینی است که آیین ستایش و نیایش را رهبری می کند و هفت موبد دیگر با برنامه های گوناگون او را در انجام نیایش یاری می رسانند.

۵- گَرَزمان: در گاهان «گرودمان» و در دیگر بخشهای اوستا «گروندان» و در پارسی «گرزمان» به چم «خان و مان سرود و ستایش»، «سرای نیایش»، «سرای سرود» نام بارگاه آهوره مزدا، یا همان بهشت برین است.

۶- مَنثَره: گفتار ورجاوند اهورایی و سخن ایزدی .

۷- مَنثَره درمانی: درمان بیمار از راه «مَنثَره» یا سخنان نیک، همان که امروزه «گفتار درمانی» یا «روان درمانی» می گوئیم.

۸- اَشَوَن: پیرو «آشه»، رهرو «آشه» در برابر «دُرَوَند» که پیرو دروغ و ناراستی است.

۹- پَتیاره: در اوستا «پتیاره» ، در پهلوی «پتیارک»: گزند، آسیب، آفت، زشتی، آک، دشمن، ستیهنده ، همستار، یورش آورنده.

۱۰- اَشموغ: در اوستا «آشه مَوغ» و در پهلوی «آشموغ» یا «آشموک» و «آهرموک» و در پازند «آشموغ» به چم «برهم زننده ی آشه»، «بر هم زننده ی هنجار هستی»، در ادب‌سار دینی مزدا پرستان به چم «بی دین»، «از دین برگشته» ، «ناپرهیزگار» .

۱۱- اَشَه: «راستی»، «هنجار هستی» «سامان آفرینش»، «ریتیم کیهانی»، «دادگری»، بخش بنیادین نام امشاسپند «اردیبهشت»، در اوستا «آشه وهیشت»

۱۲- تَرومیتی: در گاهان «تَرمیتی» و در دیگر بخشهای اوستا «تَرومیتی» و در پهلوی «تَرومَد» به چم «خوار شمارنده اندیشه» ، برنامه کماله دیو: «نانگ هَیثیه» دشمن امشاسپند بانو

«سپندارمذ» است که گاه بجای نام او و گاه به چهره ی دیوی جداگانه می آید.

۱۳- **پیری میتی:** « پندار سُست و بی بنیاد » نام دیو هراس و تباه اندیشی.

۱۴- **گخوارِد:** کاهنده ی روشنایی، برنامی است برای اهریمن

۱۵- **اپاختر:** «شمال» در اساتیر ایرانی، جای دوزخ و کنام اهریمن و دیوان و دروجان و همه ی آفریدگان و کارگزاران اهریمن است، در برابر نیمروز (جنوب) که سوی اهورایی و ایزدی است.

۱۶- **دُروج:** در اوستا « دروج» یا « دروک» در پهلوی « دروز» به چم دروغ، نام دیو دروغ و ناراستی و پیمان شکنی است.

۱۷- **زور:** در اوستا «زوتر»، در پهلوی و پارسی « زوهر» یا «زور» نیازها و پیشکشهای آبکی مانند شیر و نوشابه «هوم» و مانند آنهاست که در آیین نیایش می بَرند و در برابر «میزد» « نیازها و پیشکشهای خشک» می گذارند.

۱۸- **هَوم:** نام گیاهی است که از افشره ی آن گونه پی آشامیدنی مستی بخش بدست می آورند و در آیین های نیایشی می نوشند. و نام ایزدی که نماد و نگاهبان همین گیاه است.

۱۹- **بَرَسَم:** به چم بالیدن و رویدن، نام شاخه های نو بریده ی درخت است که هنگام ستایش و نیایش بدست می گیرند.

۲۰- **اَشَم وُهو:** نام یکی از سه نیایش (نماز) مزداپرستان است که

به نام نخستین واژه های آغازین آن خوانده می شود. این نیایش را «آشه وهیشت» و «نماز آشه» نیز خوانده اند، گزارش پارسی آن چنین است: «آشه بهترین نیکی و مایه ی بهروزی است. بهروزی از آن کسی است که درست کردار و خواستار بهترین آشه است».

۲۱- اهمای ریشچه: نخستین واژه های یازدهمین بند یسنا، هات ۶۸ است که یکی از نامدارترین نیایشهای مزدا پرستان به شمار می آید و با همین واژه ها نامیده می شود. بارها در سراسر اوستا بازگفت شده است.



گل مرزنگوش *origanum* نماد اردیبهشت و جشن اردیبهشتگان

مسعود سعد سلمان در گرامیداشت روز اردیبهشت سروده است:

بهشت است گیتی ز اردیبهشت

حلال آمد ای مه، می اندر بهشت

به شادی نشین هین و می خواه می

که بی می نشستنت زشت است زشت

اردیبهشت روز است ، ای ماه دلستان

امروز چون بهشت برین است بوستان
زان باده که خرم ازو گشت عیش و عمر
زان باده که گردد ازو تازه طبع و جان

خلف تبریزی آورده که این روز نیک است برای به نیایشکده و آتشکده
رفتن و از پادشاهان نیاز خود خواستن و به جنگ و کارزار شدن.

دانشگاه
پوهاند